

جغرافیای تاریخی
و آثار باستانی ورامین



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

نوشته

حسین قره چانلو

(دکتر در فرهنگ و تمدن اسلامی)



پروفیسر شہناز گل خان

پرنسپل جامعہ اسلامیہ اسلامیہ

پرنسپل جامعہ اسلامیہ اسلامیہ

پرنسپل جامعہ اسلامیہ اسلامیہ

پرنسپل جامعہ اسلامیہ اسلامیہ

پرنسپل جامعہ اسلامیہ اسلامیہ

پرنسپل جامعہ اسلامیہ اسلامیہ

پرنسپل جامعہ اسلامیہ اسلامیہ

جغرافیای تاریخی و آثار باستانی ورامین

بسیاری از تاریخ نویسان و جغرافیا دانان اسلامی برآنند که شهرهای قدیمی ایران را شاهان افسانه‌ای یا پادشاهان ساسانی یا سلاطین دیگر و گاهی نوادگان آدم و نوح نبی «ع» ساخته‌اند. حمزه اصفهانی و طبری و دینوری پس از نوشتن شرح حال پادشاهان، ساختن یکی دوشهر و گاهی چند شهر را بیکی از آنان نسبت داده‌اند، فی‌المثل طهمورث دیوبند بابل و کمندیز و مرو و شهرهای دیگر را ساخته است. بنیاد تیسفون و مدائن بدست جمشید گذاشته شده و اردشیر بابکان بیش از ده شهر بزرگ پدید آورده و نیز شاپور پسر اردشیر شهرهای شاپور و نیشابور و جندی شاپور و فیروز شاپور و بلاش شاپور و شاپورخواست را ساخته است^۱

این مورخین هیچگاه ب فکر نیفتاده‌اند که پیدایش شهرها و قصبات راهی طبیعی دارد و علل و اسبابی می‌خواهد، زیرا هسته

۱- سنی ملوک‌الارض والانبیاء، حمزه اصفهانی، ص ۳۴

مرکزی هر شهر ابتدا دیهیی یا رباطی بوده و سپس با جمع شدن وسیله، مردمی در آنجا گرد آمده و کم کم این واحد کوچک آبادانی بصورت شهری بزرگت درآمده است. همچنین شهر بزرگی بعلت نداشتن آب، یا حملات متعاقب و مکرر طوایف وحشی، یا حوادث طبیعی چون زلزله و سیل و یا اختلافات داخلی و مذهبی و سایر علل کم کم از میان میرفته است. و نیز میتوانیم بگوئیم شهرها تنها دیوار و بنا و ساختمان نیست بلکه بساکنانی نیازمند است و وسایل آمد و رفت میخواهد، کارگر و صنعتگر و کارفرما باید در آن گرد آیند و اطراف آن باید آباد و پر نعمت باشد تا کاروانها و مسافران در آنجا بار بیاندازند و باعث ترقی آن گردند. فرض کنیم اگر شهری در مکانی بنا گردید مردم آن از کجا باید جمع آوری شود. اگر از شهر دیگری آورده شوند پس آنجا را خراب کرده اند و چنین امری کمک بآبادانی محلی نمیکند.

بطور کلی مورخین و جغرافیا نویسان اسلامی سعی نموده اند که وجه تسمیه شهرهای قدیمی را بطریقی بیان کنند و اشخاصی که این نامها را بر این شهرها گذاشته اند در آن موقع متوجه معنای لغوی آنها بوده اند، ولی بر اثر از بین رفتن زبان قدیمی محل و جانشین شدن زبان جدید در آنجا، لهجه تغییر کرده و معنای لغوی و قدیمی آن شهرها فراموش شده است. حال برای بررسی در این مورد احتیاج بیک رشته تحقیقات جغرافیائی که در اصطلاح علم جغرافیا به توپولومی یا «جغرافیای تاریخی» معروف است نیازمندیم.

تاریخچه شهر ورامین

شهر ورامین که در جنوب شرقی تهران در دشت بزرگی واقع شده، قریب سیصد و شصت پارچه دیه دارد، خود از قرا و قصبات ری باستان بوده است.

اصطخری میگوید: در ناحیت ری دیه‌ها است بزرگتر ازین شهرها چون ورامین و آرنبویه و ورزنین و دزا و قوسین، شنوده‌ام کی در هر دهی ازین قرب ده هزار مرد زیادت بود و روستاهای قصرانین درونی و بیرونی و بهزان و السن و بسا و دماوند و کها و مرکوی^۲. ابن حوقل نیز گفته‌ است اصطخری را تأیید کرده و گوید: سرزمین ری را علاوه بر شهرها قراایی است که ازین شهرها مهم‌تر و معظم‌تراند ولی منبر ندارند. از قبیل: سد، ورامین، آرنبویه، ورزنین، دزک، قوسین و دیه‌های دیگر که بنابر آنچه شنیده‌ام سکنه یکی از آنها بیش از ده هزار تن است^۳.

بنظر میرسد که ابن حوقل توضیحات خود را از کتاب اصطخری گرفته باشد، با این تفاوت که توضیح کاملی درباره‌ اسامی قرا و تقسیمات ری نداده است.

صاحب «اللباب» هم که در قرن ۶ و ۷ هجری قمری میزیسته وجود شهر ورامین و آبادانی آنرا تأیید کرده و گوید: ورامین روستای بزرگی از قرای ری بوده که جماعت بسیاری از علما از آنجا برخاسته‌اند، از جمله: عتاب بن محمد بن احمد بن عتاب - الورامینی که حافظ قرآن بوده است^۴.

یاقوت میگوید: ورامین شهرچه‌ای از نواحی ری نزدیک قریه زامین بوده و هردوی آنان بر سر راه کاروانی ری به اصفهان قرار داشتند^۵.

حمداله میگوید: ورامین در ماقبل دیه‌ی بوده است و اکنون قصبه شده و دارالملک آن تومان گشته، طولش از جزایر خالدات

۲- مسالك و ممالك، اصطخری، ص ۱۷۱

۳- صورة الارض، ابن حوقل ص ۱۲۱

۴- اللباب، ابن اثیر ص ۲۶۶

۵- معجم البلدان، یاقوت ج ۵ ص ۳۷۰

«عزکه» و عرض از خط استوا «له کط» در آب و هوا خوشتر از ری است و در محصول پنبه و غله و میوه‌ها مانند آن . اهل آنجا شیعه اثنی عشری‌اند، و تکبر بر طبعشان غالب بود^۶.

ورامین جزء یکی از چهار ناحیت ری بوده است : ناحیت اول بهنام و در و شصت پاره دیه است . ورامین و خاوه از معظم قرای آن ناحیت است^۷ . حمدالله در تقسیم نواحی ری اشتباهاتی کرده که گفتار او را ضد و نقیض نشان میدهد، بطوریکه میگوید ورامین و خاوه قرای بهنام و سبور قرج است، درحالیکه ناحیت دوم را در تقسیماتش سبور قرج ذکر کرده است درینصورت ورامین نمیتواند در دو محل قرار گیرد .

آبادی ورامین از زمانی شروع شد که تومان ری رویخرابی رفته ، و ورامین بجای آن قرار گرفته است و مرکزیت آنجا را تحت الشعاع خود قرار داده است حمدالله مستوفی میگوید : اکنون که ری خراب است ورامین شهر آنجاست^۸ .

یکی از قرای بزرگ و معتبر ورامین دیه قوهه سبور قرج است . مولف ری باستان میگوید : قسمتی از پهنه سبور قرج که قوهه در آنجا واقع بوده ، اکنون بنام دهستان بهنام پازوکی در ورامین مشهور است^۹ . و باز همین مؤلف در جای دیگر میگوید : قوهه و شندر و طهران و فیروزان از معظم ناحیت غار است، در حالیکه مشارالیه بنقل از یاقوت میگوید : دوم ناحیت سبور قرج و در او نود پاره دیه است ، قوهه و شندر و ایوانکیف از معظم قرای آنجاست . سوم ناحیت فشاپویه و چهارم ناحیت غار است^{۱۰}.

۶- نزهة القلوب . حمداله مستوفی ص ۵۹

۷- نزهة القلوب . حمداله مستوفی ص ۵۸

۸- نزهة القلوب ، حمداله مستوفی . ص ۵۲

۹- ری باستان : حسین کریمان ، ص ۳۰۹

۱۰- ری باستان : حسین کریمان ، ص ۴۷۴

شاید این اشتباه باین دلیل بوده که ناحیت سبور قرج به منطقه وسیعی از این دشت اطلاق میشده ، بطوریکه گاهی اوقات آنرا با ری ذکر میکردند .

چون ری در اثر حملات مغول رو بویرانی گذاشت مردم آن بسوی نقاط دیگر کوچ کردند . حمدالله میگوید: در زمان غازان خان مغول ری رو بویرانی رفت و این ایلخان سعی بآبادی آن نمود، درو اندک عمارتی افزود و جمعی را ساکن گردانید، ولی ری آباد نشد زیرا اهالی آن به دو شهر ورامین و طهران که نزدیک ری بودند و مخصوصاً به ورامین که هوایش از ری بهتر بود نقل مکان کرده بودند^{۱۱} . در آغاز قرن هشتم هجری ورامین آبادترین شهرهای آن حدودگردید و اکنون خرابه‌های آن در جنوب ری دیده میشود.^{۱۲}

بطور کلی ورامین در اوایل قرن ۸ هجری دارای قرای آباد و پربرکتی بوده است، از جمله قوه که نام دو دیه در آن حدود بوده، که یکی را قوه علیا یا قوه آب می‌گفته‌اند و در حدود کبود گنبد امروزی قرار داشته است و آب جاجرود در آن حدود مقاسمه می‌شده و جایگاه صوفیان بوده است. و دیگری را قوه سفلی یا قوه حمیر «خران» می‌گفتند ، دو قوه از هم قرب یک فرسنگ فاصله داشته ، و قوه سفلی میان قوه علیا و ری افتاده بوده است . یاقوت که خود آن محل را از نزدیک بدیده ، از آن بنام قوه یاد کرده است.^{۱۳}

حمدالله دربارهٔ مذهب مردم این نواحی میگوید : اهل ری و اکثر ولایات شیعهٔ اثنی‌عشری‌اند الا دیه قوه و چند موضع دیگر

۱۱- نزهةالقلوب ، حمداله مستوفی . ص ۵۸ و ۵۹

۱۲- سفرنامه ابن بطوطه . ص ۲۳۳

۱۳- ری باستان ، کریمان ص ۶۰۹

که حنفی میباشند و اهل آن ولایت آن موضع را بدین سبب قوه خران میخوانند .^{۱۴}

مسئلهایکه جالب و پراهمیت است گفته بعضی از مورخان است که محل ری قدیم را در نزدیکی شهر ورامین نقل کردهاند . آقای کریمان بنقل از کتاب درالتیجان جلد ۲ میگوید : بزعم بعضی از فضلا «راگز» یا ری «قلعه ایرج» است که نزدیک شهر ورامین می باشد .^{۱۵} در کتاب ایران باستان آمده : که محل شهرری را در خرابه های قلعه ایرج کنونی و اطراف آن می دانند که تقریباً در شش فرسنگی دربند دریای گرگان واقع است .^{۱۶}

ولی در هیچیک از منابع قدیم و جدید محلی در شمال ری و یا در مشرق و یا مغرب آن نشان نداده اند که کسی آنجا را خرابه های ری باستان گمان برده باشد ، بعهد ما آن پهنه از ری که درشش فرسنگی جنوب شرقی آن و در حدود ورامین و نزدیکی راه خوار قرار دارد بهنام خوانده میشود و چنین بنظر می رسد که این بهنام همان کلمه بهتان است و تبدیل دو حرف میم و نون بیکدیگر شده چون در ادب فارسی این امر شایع بوده است .^{۱۷}

اما با توجه باینکه در اطراف ری آثار و خرابه های زیادی از دوره باستان وجود دارد ری قدیم را نمیتوان قلعه معروف نزدیک ورامین دانست . مؤلف ری باستان درباره محل آتشکده ری میگوید : ظاهراً از قدیم تا عهد انوشیروان در جنوب غربی ری و از آن زمان باز در دوازده کیلومتری جنوب شرقی ری عهدساسانی بر فراز تپه میل بوده ، که آثار آن بدین عهد نیز باقی است ، در این حدودها آثار بناهای کهنه

۱۴- نزهةالقلوب ، حمداله مستوفی . ص ۵۹

۱۵- ری باستان ، حسین کریمان ص ۲۴

۱۶- ایران باستان - مشیرالدوله پیرنیا . ج ۸ . ص ۲۲۱۷

۱۷- ری باستان : کریمان . ص ۵۱۵

و قدیمی فراوان است بطوریکه از روی پاره‌ای از آنها مانند آثار چال ترخان، جمعی آن نواحی را شهری گمان کرده‌اند.^{۱۸}

بالنتیجه میتوان گفت که محل ری قدیم باید نزدیک همین آتشکده و خرابه‌ها باشد نه در شمال شرقی ورامین امروز .

پس از مرگ ابوسعید بهادر خان هرج و مرجی در گوشه و کنار دولت ایلخانان مغول پدیدار گشت ، بطوریکه جانشینان وی قلمرو او را بین خود تقسیم کردند و هرکدام نواحی مختلفی را بحیطه تصرف خود درآوردند .

ابن بطوطه سیاح معروف اندلسی که درین دوران در ایران مشغول سیاحت بوده میگوید: «از جمله آنان حسن خواجه پسر دمرطاش چوپان که به تبریز و سلطانیه و همدان و قم و کاشان و ری و ورامین و فرغان و کرج استیلا یافت»^{۱۹}

ازگفته ابن بطوطه چنین مفهوم میگردد که ورامین هم شهرآباد بوده و در ردیف شهرهائی چون قم و کاشان قرار داشته است. دلیل بارز و روشنی که این امر را تأیید میکند قول جهانگرد معروف کلاویخوست که در اوایل فتوحات امیر تیمور بایران آمده است و میگوید: جمعه که مصادف بود با بیست و سوم ژانویه به شهری رسیدیم بنام ورامین این شهر بسیار پهناورست ، اما بیشتر خانه های آن خالی از سکنه و غیرمسکون است. برگرداگرد آن هیچ دیواری نبود. این شهر در دشتی قرار دارد، اینجا مقرآن بزرگ تاتار یعنی داماد تیمور بود، زیرا وی یکی از دختران تیمور را بزنی گرفته بود، درینجا بایک بزرگ دیگری هم آشنا شدیم ، نام او باباشیخ است و نام داماد تیمور سلیمان میرزاست .^{۲۰}

۱۸- ری باستان . ص ۳۶۵

۱۹- سفرنامه ابن بطوطه . ص ۲۲۳

۲۰- سفرنامه کلاویخو . ص ۳۰۳

در دوره جانشینان تیمور و سلسله ترکان آق قویونلو و رامین موجودیت خود را حفظ کرده و مکرراً در لشکر کشیهای آنها ازین محل نامی برده شده است. مؤلف ری باستان بنقل از لب تواریخ گوید: از میان شاهان آق قویونلو . . . محمدی میرزا تمامت ولایت عراق را بتصرف آورد و در ملك ری رحل اقامت افکند، ایبه سلطان و الوند بيك برادر محمد بدفع وی بعراق آمدند و چون بحدود ری رسیدند، محمدی میرزا فرار کرده بقلعه استا «یا استاره در مازندران» نزد حسن کیای جلاوی رفت، ایبه سلطان والوند بيك در قم قشلاق گرفتند و برادر ایبه کزل احمد را با لشکری جهت رفع محمدی میرزا در ورامین بگذاشتند.^{۲۱}

باطلوع دولت صفوی و انقراض تیموریان و ترکمانان و توجهی که سلاطین صفوی بایجاد ابنیه و آثار داشتند، بعضی از قرای و قصبات ری رو به آبادانی رفت از آنجمله قصبه تهران است. در زمان شاه طهماسب برج و بارویی به دور آن کشیده شد. در نتیجه مردم قرای دیگر ری از جمله ورامین بدان روی آوردند. بارتولد مؤلف کتاب جغرافیای تاریخی ایران میگوید: پس از اعتبار یافتن طهران، ظاهراً اهالی ری و ورامین بتدریج به طهران نقل مکان کردند.^{۲۲}

از آن ببعد ورامین رو بویرانی و خرابی گذارد و دیگر آن اهمیت سابق را بدست نیاورد. لسترنج میگوید: ورامین، پرمجمیت ترین مراکز نواحی ری بود ولی این شهر در آغاز قرن نهم رو بخرابی رفت و بعدها طهران که در قرن هفتم فقط دهکده ای از دهکده های ری بود جای ورامین را گرفت.^{۲۳} ورامین کم کم از

۲۱- ری باستان: ص ۲۳۲

۲۲- جغرافیای تاریخی ایران. بارتولد: ص ۱۸۱

۲۳- لسترنج. ص ۲۳۴

اهمیت و اعتبار افتاد و تنها نام و نشانی که از او مشاهده می‌گردد مربوط باوایل دوره قاجارست که بعضی از جهانگردان و سیاحان خارجی این شهر ویران را در سفرنامه خود نام برده‌اند .

امروزه شهر ورامین در ۴۲ کیلومتری تهران در دشت حاصلخیز دماوند که مشرف به کوه‌های مرتفع البرز است قرار دارد، این ناحیه بوسیله جویبارهایی که از کوه‌ها جریان می‌یابند آبیاری میشود ، دشت ورامین در حقیقت يك انبار غله برای ساکنین تهران محسوب میشود ، از انواع محصولات می‌توان پنبه «فیلستان» و غله و خربزه و محصولات خوراکی دیگری که در این ناحیه تهیه میشود، مانند روغن خوراکی و قند را نام برد که هر يك از محصولات اخیر در کارخانه‌ها و پالایشگاه‌های عظیمی تهیه و بسته بندی میشود .

آثار باستانی ورامین

چون ری مورد توجه خلفا و حکام و سلسله‌های مختلف اسلامی بود سعی در عمران و آبادی آن میشده است و علاوه بر آثار اسلامی که در آن بوجود آمد ، آثار و ابنیه‌ای هم از دوران ماقبل اسلام در گوشه و کنار آن بچشم می‌خورد از آنجمله قلعه معروف به ایرج نزدیک ورامین را میتوان نام برد .

خرابه معروف بقلعه ایرج ، که در شمال شرقی شهر ورامین واقع است ، از آثار بسیار کهن و قدیمی این شهر میباشد که در هیچیک از تواریخ و سیاحت نامه های جهانگردان عرب از آن اسمی برده نشده است ، لیکن از بعضی علامات خارجی آن معلوم میشود که عمر این قلعه از دوهزار سال هم متجاوز است .

مادام دیولافوا راجع به قلعه قدیمی نزدیک ورامین که بقلعه

ایرج مشهور است میگوید: ما بسیاحت قلعه قدیمی رفتیم این بنا بسیار وسیع و بشکل مربع مستطیل است و با خشت و گل ساخته شده و دارای برجهای دفاعی است که از یکدیگر سی متر فاصله دارد، در خرابه‌های باقیمانده خشت خامی دیده نمیشود گویا این بنا رمانند دیوارهای قطورخرساباد^{۲۴} و قیونجیق^{۲۵} ساخته اند. ۲۶

لردکرزن درباره قلعه میگوید: قلعه ایرج نزدیک دهکده جعفرآباد است که در اطراف آن دیوارگلی ضخیمی است با پنجاه پا ارتفاع و محوطه‌اش بنا بر قول ایستویک ۱۸۰۰ یارد در ۱۵۰۰ یارد تقریباً یک میل مربع است. تاریخ دوره ساختمان این استحکامات حیرت‌انگیز نا معلوم و مورد اختلاف است و بعید است که روزگار خیلی قدیم تعلق داشته باشد. ۲۷

دیولافوا راجع بساختمان قلعه گوید: این طرز ساختمان شباهت با بنیه اسلامی ندارد و مسلماً ما در برابر یک بنای ساسانی هستیم که بسی قدیم‌تر از برج و باروی شهر ری میباشد. بنا بر داستانهای محلی این قلعه را فریدون که ممدوح شعرای قدیمی و مورخین ایرانی بوده بنا کرده است. در داخل این قلعه هم تپه خرابه‌ای نیست که بتوان در آن کاوش نمود و مدارکی بدست آورد و تاریخ بنا را به تقریب معین کرد، مارسل دیولافوا عقیده دارد که این قلعه یکی از اردوگاههای قدیمی خندق‌داری بوده است زیرا که قنوات متعددی آب صاف و گوارائی را از محوطه داخلی این قلعه عبور میدهد. بطور کلی نظر مارسل دیولافوا و لردکرزن درباره قدمت قلعه معروف به ایرج مغایرت دارد و هیچکدام خبر صحیحی درباره قدمت و تاریخ بنای این قلعه نمیدهند.

۲۴ و ۲۵ - از دهکده های کردستان میباشد .

۲۶ - مادام دیولافوا . ص ۱۴۳

۲۷ - ایران و قصیه ایران ، لردکرزن ص ۴۶۶

مسجد جامع ورامین یکی از آثار اسلامی دوره ایلخانان بشمار می‌رود (شکل شماره ۱) این بنا در قدیم بسیار عالی و باشکوه بوده ولی اکنون ویرانه‌ای بیش نیست و مؤمنین هم از ترس فرود آمدن طاق برای عبادت بآنجا نمیروند. زمین‌های اطراف آن خارستان شده که عبور از آن‌ها خالی از اشکال نیست.

سردر آن از موزائیک‌های کاشی مانند تزئین یافته و بسی جالب توجه است. یک قسمت از بدنهٔ خراب آن شباهت کامل بمسجد شاه قزوین دارد (شکل شماره ۲) و دارای محراب و گنچ بریمهای بسیار ممتازی است و معلوم است که با دست استاد هنرمندی ساخته و پرداخته شده است. بقدری شاخ و برگ و گلمهای آن با ظرافت ساخته شده که انسان از تماشای آن سیر نمیشود. در این‌جا هم مانند مسجد قزوین پیچ و خمهای مسقفی هست که باید از آنها عبور کرده داخل محوطه گنبددار (شکل ۳ و ۴) گردید. ۲۸

مدخل مسجد جامع ورامین مورخ ۷۲۶ هجری: گوشوارهای این مدخل صرفاً تزئینی است و با کاشی و موزائیک القاء گردیده است. این مطلب با توجه به قسمت بزرگی از سطح آجری طاق (شکل شماره ۵) که کاشیمهای آن ریخته است و هم‌چنین از سوراخهائی که در آن سطح دیده میشود، بروشنی استنباط می‌گردد و معلوم میشود با چربهائی که در این سوراخها قرار داشته گوشوار تزئینی و تزئینات بالای آن نگهداری میشده است. ۲۹

بطور کلی مسجد جامع ورامین یک نمونه کامل از طرح مساجد چهار ایوانی است که قسمت غربی این مسجد کاملاً نابود شده ولی مابقی نقاط آن کاملاً محافظت و نگهداری شده است. ۳۰

۲۸- سفرنامهٔ مادام دیولافوا. ص ۱۴۰

۲۹- مجلهٔ هنر و مردم. شماره ۱۰۶. سال ۵۰. ص ۱۶

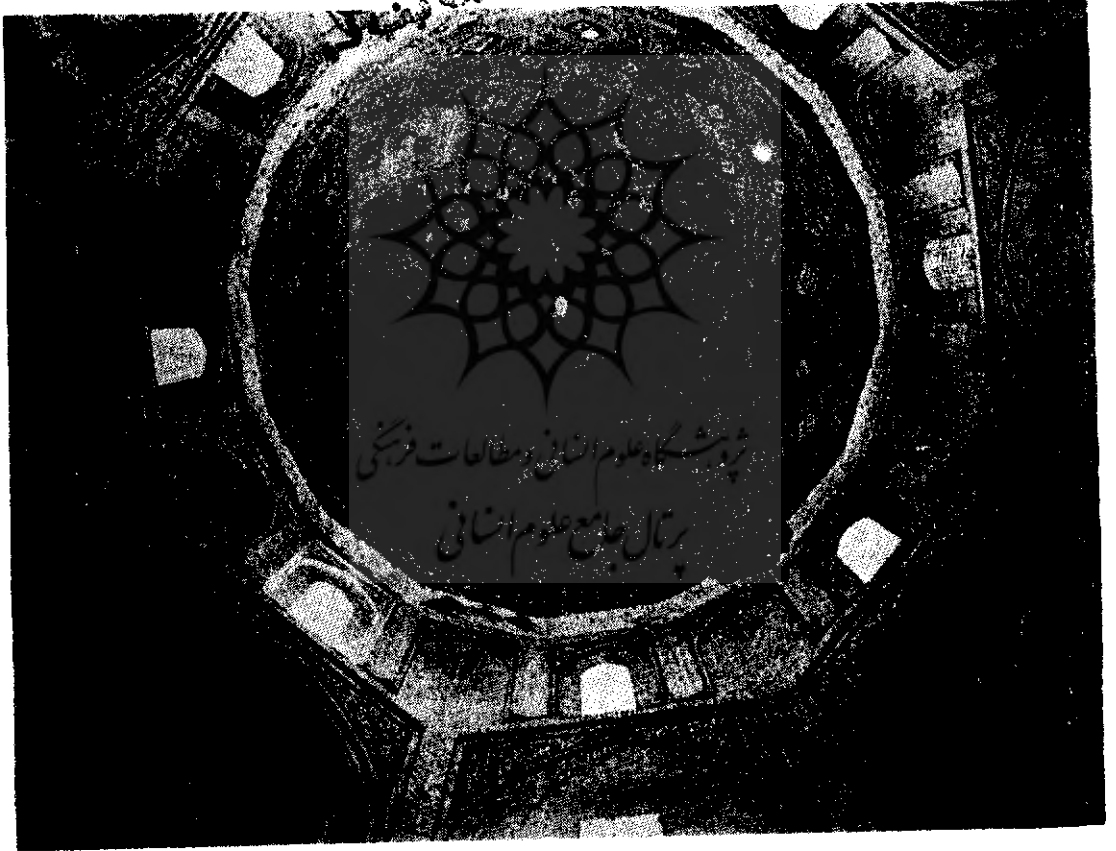
۳۰- ایران زمین. محمد رضا زهتابی، جلیل زاهد. ص ۱۵۹



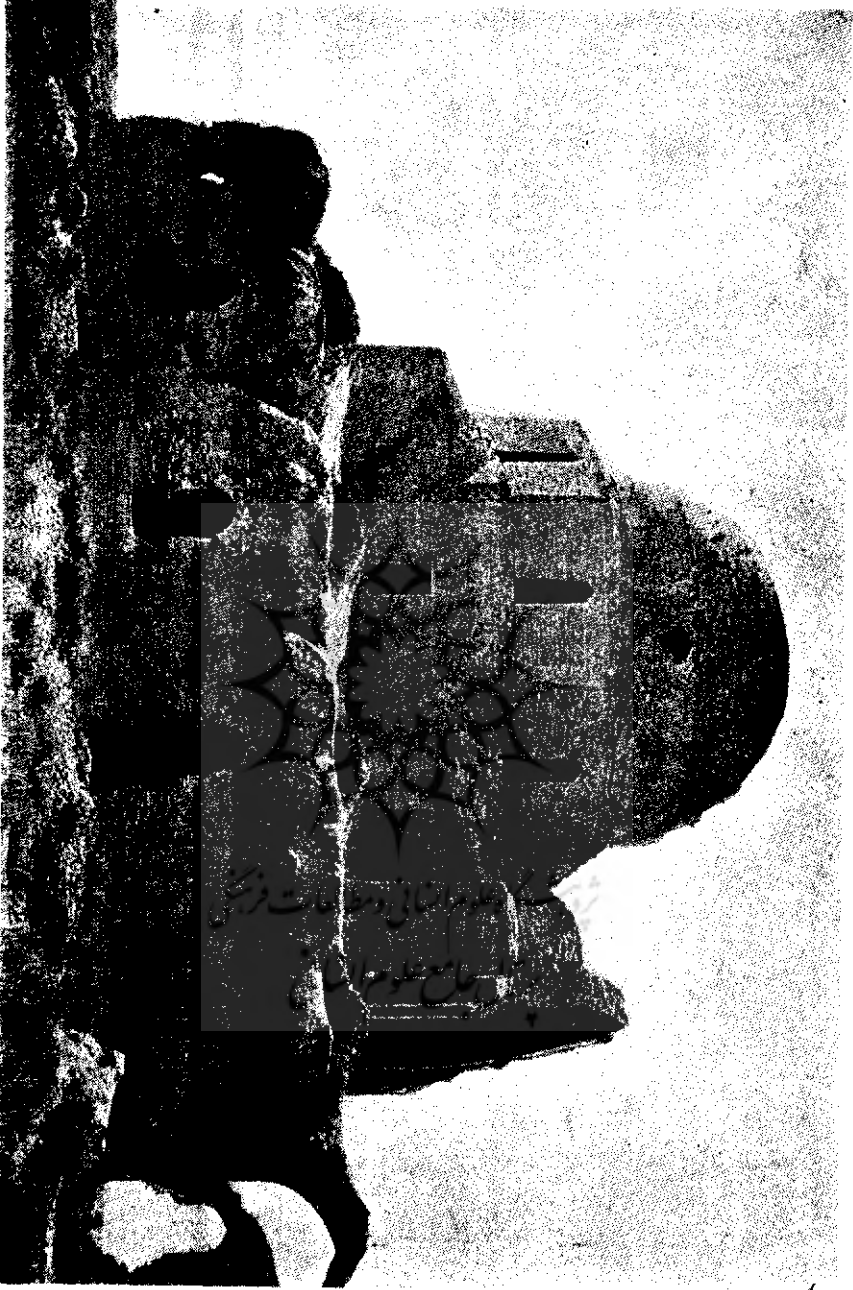
وادی کا پختالہ

شکل شماریہ ۱ - ورامین - مسجد جامع - سمت شمالی

شکل شماره ۲ - سر در ورودی
مسجد ورامین



شکل شماره ۳ - منطقه میانی گنبد مسجد ورامین



شکل شماره ۴ - نمای خارجی گنبد مسجد ورامین



شکل شماره ۶ - تزئینات آجری
مسجد ورامین



شکل شماره ۵ - يك طاق آجری
مسجد ورامین

روی آجرهای ساختمانی این مسجد ساروج سفید (مقصود ملاط سفید رنگ گچی است) کشیده و فواصل قائمی بعرض ۴۰ سانتیمتر در میان دیوار قرار گرفته (شکل شماره ۶) که در آنها نقش و نگاری بسبک ساختمانهای غرب بانوک ماله کنده کاری شده است و شاخ و برگ و گلها فوق العاده ظریف و جالب توجه است رویهمرفته تمام بنا با دقت و سلیقه بسیار عالی طراحی شده است.^{۳۱}

مدخل تالار مربع مسجد ورامین مورخ ۶-۷۲۳ هجری : گوشواره های طرفین این مدخل هر يك بصورت يك طاق نمای بلند با قوس جناغی ساخته شده و داخل طاق با لوزیهای زیبای برویهم قرار گرفته مزین شده است.^{۳۲}

امامزاده یحیی ورامین : در یکی از میدانهای کوچک شهر

۳۱- سفرنامه دیولافوا . ص ۱۴۲
۳۲- مجله هنر و مردم شماره ۱۰۶ . ص ۱۵

بقعه امامزاده یحیی قرار گرفته است که چندی پیش يك گنبد هشت گوشه و يك اطاق چهارگوش دور آن بنا گردیده است (شکل ۷) سنگ مرقد امامزاده یحیی از تاریخ ۱۳۰۷ م در موزه ارمیتاژ در لنینگراد نگهداری میشود و حتی بعضی از قطعات منقش دیوارهای آن بوسیله کلکسیونرها خریداری شده است. ۳۳ ساختمان موسوم به امامزاده یحیی فقط یکی از چند اثر تاریخی دوره مغول است که هنوز در ورامین باقیمانده است اما بعید بنظر میرسد که بنیاد بنا از زمان مغول باشد چون نقشه و طرح بنا به ابنیه دوره سلجوقی شباهت دارد. دیولافوا درباره سلجوقی بودن این بناگوید: این بنا



شکل شماره ۷ - امامزاده یحیی ورامین . «مدخل وطاق دوراطاق گنبد تازه است»

در قرن دوازدهم میلادی در دوران سلطنت سلجوقیان برپا شده است در داخل آن بنای چندضلعی نوك تیزی هم هست که از حیث شکل مانند گنبد اتابك نخبوان است و در دوره غزنویان ساخته شده و خوب معلوم است که بنای تازه را با این بنای قدیمی هم آهنگ کرده و ساختمانهای قدیم و جدید را بهم متصل ساخته اند، کاشیهای محراب که رنگ فلزی صیقلی دارند پس از تعمیر ثانوی برای تزئین در آنجا بکار برده شده و برای بکار بردن آنها مجبور شده اند که يك قسمت از تزئینات قدیمی را خراب کنند.^{۳۴} این امامزاده شامل يك اطاق مربع گنبد دار است که دیوارهای آن در داخل يك سلسله اطاقهای کوتاه متعلق به دوره بعد محصور است. ساختمان از خارج مربع و از داخل هشت گوش است و در گوشه ها وزوایا طاقچه دارد، دیوار محراب در زمان بعد با آجرکاری پر شده است، ازاره اطاق تا ۱/۸۵ متری کف از تزئینات اولیه عاری شده ولی در ناحیه میانی دیوار و طاق کتیبه گچی و در سطح پطاق، نغولهای گچبری (شکل ۸) عالی وجود دارد و سطح پطاق با مقرنسکاری و گچبری پر شده است.^{۳۵}

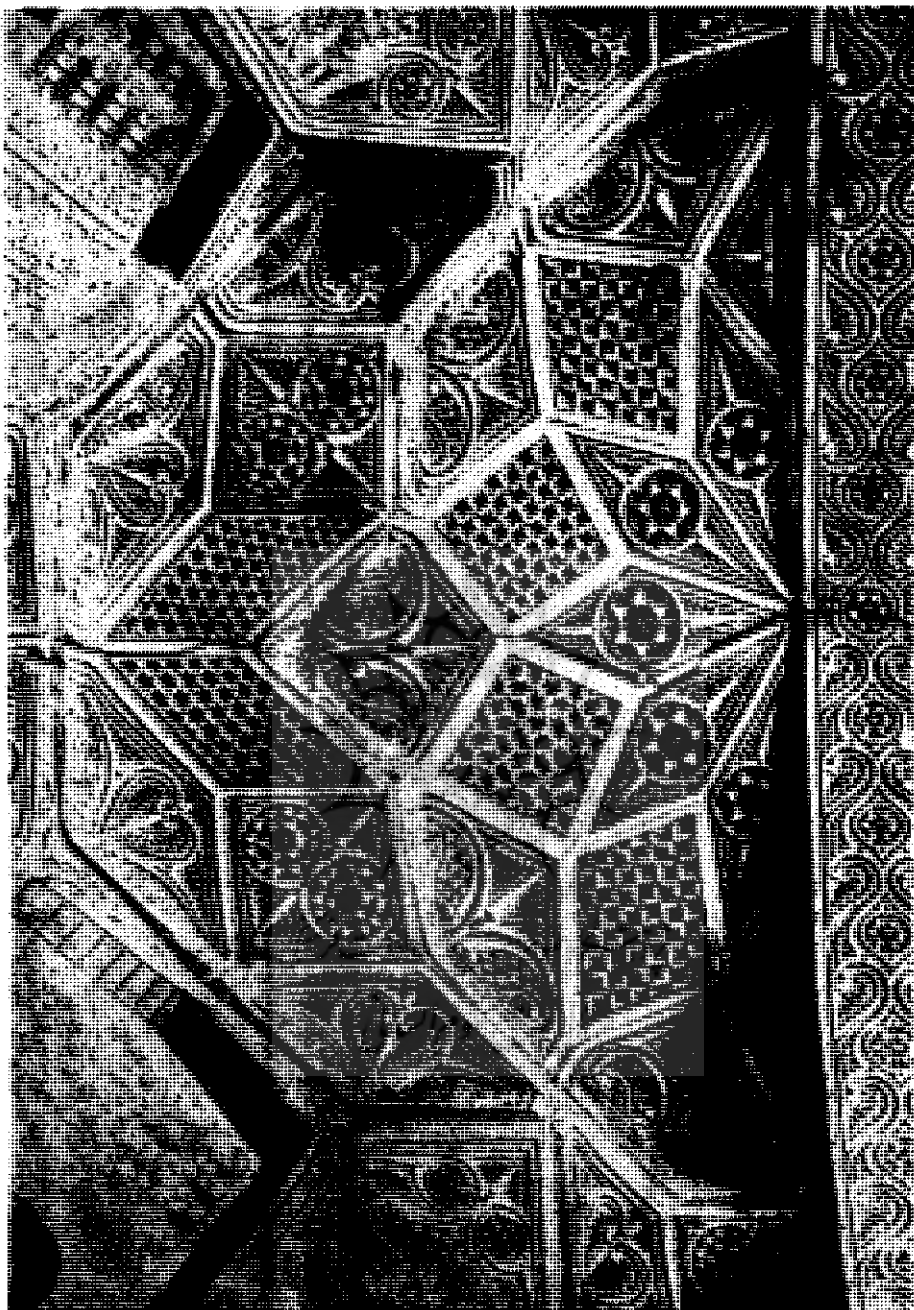
دیولافوا میگوید: در هیچ جا کاشیهای صاف تر و درخشان تر از کاشیهای امامزاده یحیی پیدا نخواهد شد، این کاشیهای فلزی-رنگ سه دسته اند؛ دسته اول کمی زرد رنگ است، دسته دوم رنگ فلزی برنج مانندی دارد و دسته سوم تیره تر و مانند مس قرمز است. کاشیهای ستاره ای و صلیبی که قبر و محراب و دیوارها را تزئین کرده اند دارای يك نوع اهمیت هنری و صنعتی هستند و بواسطه صفات و خصائص ممتازی که دارند بمراتب بر کاشیهای بناهای اسپانی و ایتالیا و حتی نقاشیهای روی کاغذ برتری دارند.^{۳۶}

۳۴- دیولافوا. ص ۱۴۹

۳۵- معماری ایلخانیان، دونالد. ج. ویلبر. ص ۱۱۹

۳۶- سفرنامه دیولافوا. ص ۱۴۹

شکل شماره ۸ - امامزاده یحیی ورامین - «باطاق مقرنسکاری و گچبری شده»

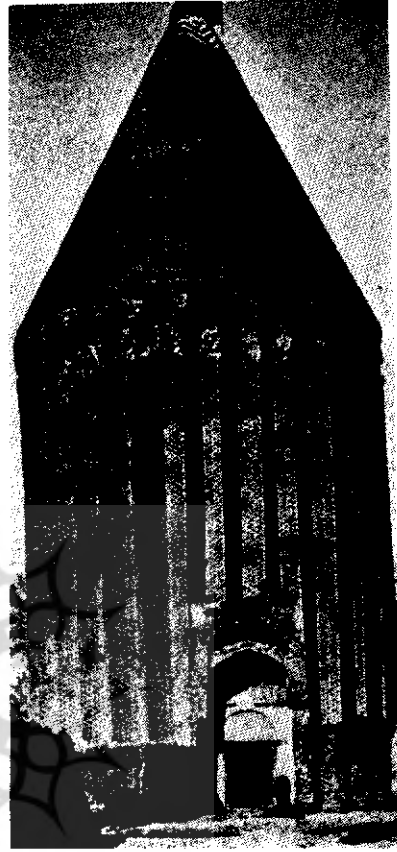


سنگ قبر محراب شکل که تاریخ آن ۷۰۵ هـ / ۱۳۰۵ م است و اکنون در موزه ارمیتاژ می باشد، دارای این عبارت است که این سنگ برای مقبره امامزاه یحیی ساخته شده است و ضمناً حاوی امضای دو نفر از افراد خاندان کاشی ساز معروف کاشان می باشد.^{۳۷}

دیگر از بناهای قدیم و رامین مقبره علاءالدین است (شکل ۹) که مردم محل آن را قبر کوکب الدین می دانند ، بنای جدیدی با صحن باز در پشت و مقابل دیوار های خراب این سردر ورودی کوچک ساخته شده است ولی به موجب نوشته «مرآت البلدان» تا سال ۱۷۷۸ م کتیبه ای بر سردر مزبور وجود داشته که نام بنا در آن مسجد الشریف ذکر شده بوده است (شکل شماره ۱۰) قسمت فرو رفتگی سردر از آجر است و سوراخگیرهای بندهای عمودی آن با گچ تزئین شده و دهنه ای با قوس نوک تیز در قسمت عقب در شمالی دارد . کتیبه افقی به خط ثلث با گچ روی زمینه نقش طوماری بر سر صفحه فرورفتگی بالای رأس دهنه وجود داشته است (شکل شماره ۱۱) و نشان دهنده قسمتی از قرنیز برج علاءالدین میباشد که پائین تر از کتیبه انتهایی رأس بنا قرار گرفته است . انتهای کتیبه حاوی تاریخ است که آسیب دیده است این تاریخ به یک روایت «سنه ۷۰۷» خوانده شده است^{۳۸} ولی از طرز کتیبه و نمونه تزئینات گچی می توان حتی بدون اثری از تاریخ ،

۳۷- معماری ایلیخانان ، ص ۱۲۱ (مقصود از خاندان کاشی ساز معروف کاشان خاندان محمد بن ابی طاهر کاشانی است که کاشیهای مرقد حضرت معصومه (مورخ به سال ۶۰۲ هجری) و کاشیهای کتیبه مدخل مرحوم حضرت رضا (ع) (مورخ به سال ۶۱۲) و بعضی کاشیهای دیگر از آثار او مانده است و اعقاب وی نیز تا چند نسل کاشیهای ممتاز و عالی در دیگر ابنیه مذهبی ساخته و بجا گذارده اند و نام افراد متعدد این خانواده هنرمند در محرابها و کاشیهای قرون ۷ و ۸ هجری موجود است - م . ت . مصطفوی)

۳۸- تاریخ مرقوم بر بالای یکی از ترکهای برج علاءالدین رقم «۶۶۸» است
م . ت . مصطفوی

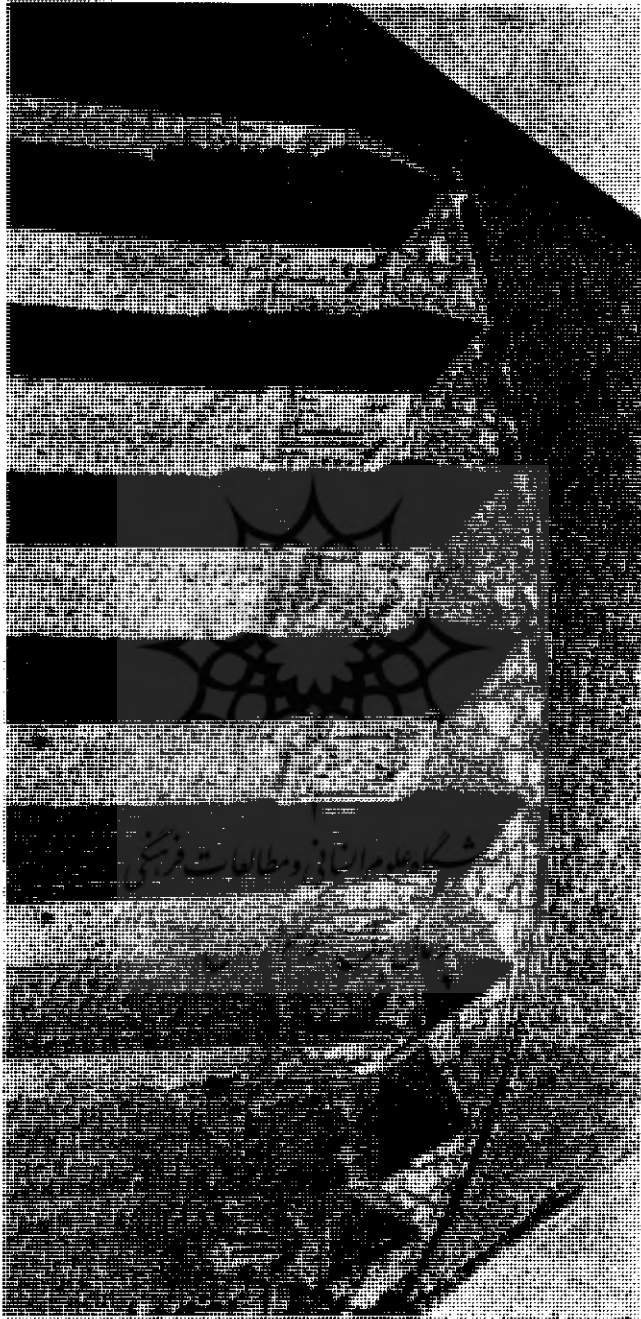


شکل شماره ۹ - برج علاءالدین .
ورامین



شکل شماره ۱۰ - ورامین - کتیبه سردر مسجد الشریف

شکل شماره ۱۱ - ورامین - قرنیس مقبره برجی علاءالدین



ساختمان مزبور را به اوایل قرن چهاردهم نسبت داد^{۳۹}. بنای دیگری که امروزه اثری از آن نیست و فقط گاهگاهی نامی از آن در سفرنامه‌ها و کتب تاریخی آمده، ارك ورامین است که دارای خندق عمیقی بوده و راه زیر زمینی سرپوشیده‌ای هم داشته که در سایر بناها دیده نمیشود و چنین بنظر میآید که این ارك خیلی بعد از قلعه بنا شده و باستحکامات دفاعی ضمیمه گردیده و شاید هم اولین شاهان سلجوقی آنرا بنا کرده باشند، تا کسی نتواند بمقر حکومتی این ناحیه داخل گردد.^{۴۰}

آرامگاه هشت گوشه امامزاده شاه حسین در ورامین از آثار باستانی است که در سالهای ۱۳۳۰م/۱۳۳۱م بنا گردیده است.^{۴۱} این بنا در محل به امامزاده شاه حسین معروف و نزدیک مرکز ورامین فعلی در چند صد متری جنوب شرقی مسجد جامع واقع است، در حال حاضر این دستگاه ساختمانی شامل صحن ورودی محصور با دیوار و نمازخانه دارای محراب و مقبره برجی می‌باشد به موجب کتاب «مرآت البلدان» مسجد و محراب آن در سال ۸۱۹هـ ق ساخته شده (شکل ۱۲)^{۴۲} و مقبره سید فتح‌الله است، برج مقبره وضع نسبتاً خوب و سقف و قرنیز آن از بین رفته و قسمت داخلی تعمیر و تجدید ساختمان شده است مقبره برج هشت گوش از خارج، مدور از داخل و سطح دیوار داخلی با گچ سفید کاری شده است، در بالای آن يك گنبد کوتاه آجری است که در زمان اخیر ساخته

۳۹- معماری ایلخانان . ص ۱۴۷

۴۰- سفرنامه دیولافوا . ص ۱۴۴

۴۱- ایران زمین . ص ۱۶۱

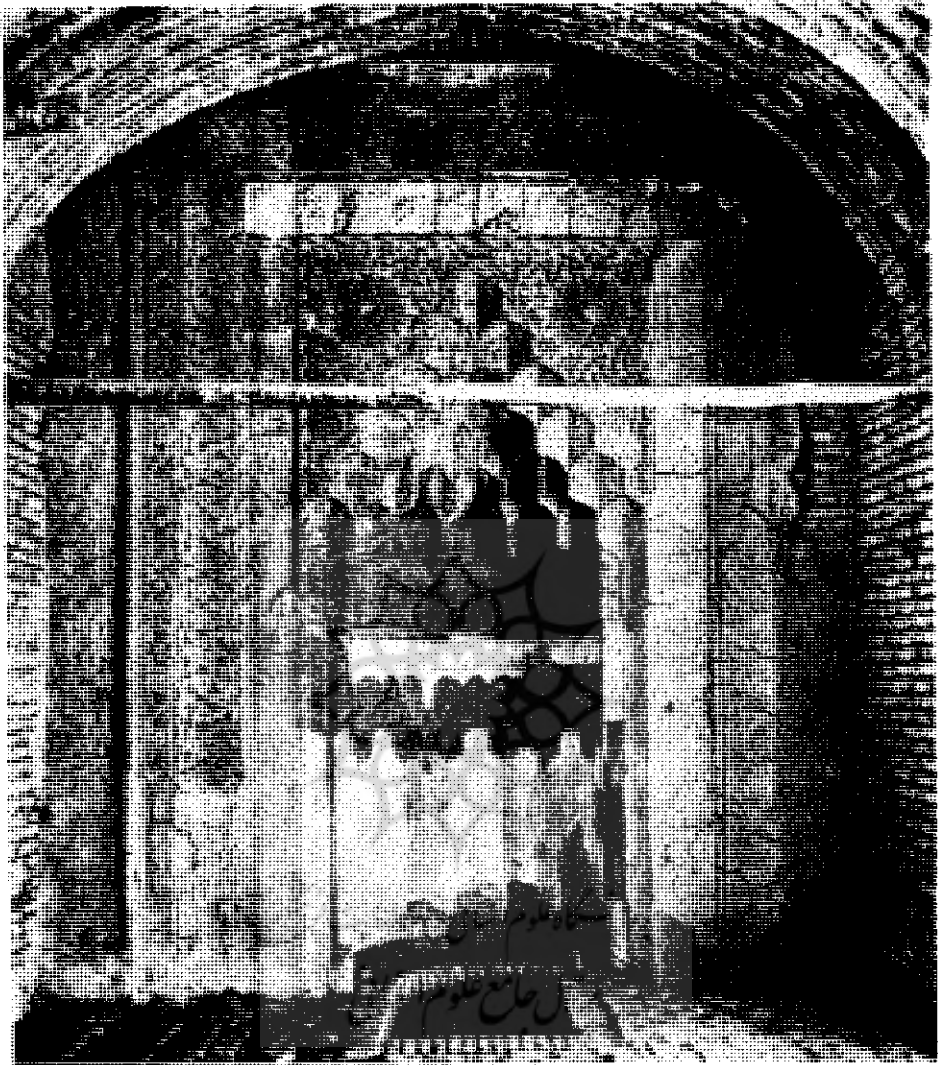
۴۲- کلیه شکل‌های این مقاله از کتاب «معماری اسلامی ایران در دوره

ایلخانان» نوشته دونالدسن-ویلبر- ترجمه عبدالله فریار گرفته شده است .

شده است . تزئین آن ، آجر کاری ، معمولی ، پرکار ، با فروبردن بعضی آجرها طرح گل و بوته در آورده شده است . تزئین محراب آن عبارتست از طرحهای تسمه‌ای که با باریکه سفال آبی سیر و باریکه سفال آبی روشن و سفال بدون لعاب در گچ سفید قرار داده شده است ، حاشیه کتیبه مرکب است از حروف سفالی آبی تیره در گچ سفید که فقط چند حرف از آن باقی مانده است .^{۴۳}



۴۳- معماری ایلخانان . صفحات ۱۹۰ و ۱۹۱



شکل شماره ۱۲ - ورامین . محراب امامزاده شاه حسین